

## نجلی کهن الگوی قهرمان در نگاره جام زرین حسنلو (عصر آهن) براساس رویکرد جوزف کمبل

### چکیده

جوزف کمبل با توجه به رویکرد کهن الگوی «قهرمان» کارل یونگ، «الگوی سفر قهرمان» را مطرح کرد. وی با مطالعه ساختار اسطوره‌ای در تمدن و فرهنگ‌های گوناگون، بر این باور بود، در ساختار اسطوره برای سفر قهرمان، سه مرحله عزیمت، تشریف و بازگشت وجود دارد که می‌توان آنها را در نگاره جام زرین حسنلو جست. هدف از جستار حاضر این است تا با بهره‌گیری از نظریه جوزف کمبل اسطوره‌شناس شهیر آمریکایی، نگاره جام زرین حسنلو را مطالعه و بررسی کند و در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست: نگاره جام زرین حسنلو، با «الگوی سفر قهرمان» جوزف کمبل هم‌پوشانی دارد؟ در صورت حضور این کهن الگو، چگونه می‌توان آنها را براساس نظریه کهن الگوی سفر قهرمان جوزف کمبل تحلیل کرد؟ جستار حاضر، با بررسی و مطالعات کتابخانه‌ایی به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده است. برای پاسخ به پرسش‌های مذکور با بررسی نگاره جام زرین حسنلو که متعلق به عصر آهن است، می‌توان به این نتیجه رسید که براساس الگوی کمبل، نگاره جام زرین حسنلو، بیانگر آن است که قهرمان روایت هنری با استمداد نیروهای ماوراءالطبیعه از جهان دنیوی خارج می‌شود و به معنویت و جاودانگی دست می‌یابد و هنگام سفر در مرحله عزیمت با یاری دهندگان معنوی از جمله خدایان روبه‌رو می‌شود، سپس در مرحله تشریف، گام در جاده آزمون‌ها گذاشته و با شیر، مار، دیو و خدایان روبه‌رو می‌شود و به نبرد با نیروهای متخاصم می‌پردازد. قهرمان داستان در نهایت با شخصیتی دگرگونه، در قالب حمایت از جامعه، دوباره به سرزمین خود بازمی‌گردد.

**واژگان کلیدی:** نگاره جام زرین حسنلو، سفر قهرمان، عزیمت، تشریف، بازگشت، جوزف کمبل.

### چنور سیدی

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

c.saidi@modares.ac.ir

### فاطمه سیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

f.saidi1638@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹-۰۹-۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۲-۱۲

1-DOI: 10.22051/pgr.2021.34094.1094

## مقدمه

حسنلو مشاهده کرد. در این نگاره که جزء آثار شاخص و ممتاز هنری در ایران است، کهن‌الگوی سفر قهرمان را با استمداد از رویکرد اسطوره‌شناسی جوزف کمبل می‌توان مطالعه و بررسی کرد. این جستار، سعی بر آن دارد تا با بهره‌گیری از نظریه کمبل نشان دهد که در نگاره جام زرین حسنلو، هنرمند چگونه با استفاده از کهن‌الگوی سفر قهرمان بر من خویشتن غلبه می‌کند و در نهایت به شخصیتی معنوی و تکامل یافته می‌رسد. اهمیت موضوع در این است که با توجه به مباحث مذکور، هدف غایی هنرمند انعکاس مضامین ملی در آثار هنری خود بوده است و برای به تصویر کشیدن این نگرش ملی از تصاویر اسطوره‌ای بهره برده است.

## پیشینه تحقیق

اگرچه درباره تجلی کهن‌الگوی قهرمان در نگاره جام زرین حسنلو (عصر آهن) براساس رویکرد جوزف کمبل تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، پژوهش‌های بسیاری درباره اسطوره، سفر قهرمان جوزف کمبل و جام زرین حسنلو به چاپ رسیده است که در روند این جستار، تا حد زیادی کمک می‌کنند. کتاب‌های فراوانی از اسطوره‌شناسان در خصوص اسطوره به چاپ رسیده است، مانند کتاب‌های اسطوره و چشم اندازه‌ها و اسطوره، رؤیا و راز اثر میرچا الیاده، نویسنده در این کتاب‌ها، مباحث مختلف اسطوره‌شناسی را مطرح کرده است. در خصوص سفر قهرمان جوزف کمبل، کتاب سفر نویسنده اثر کریستو ووگلر، نویسنده در آثار خود نظریه کمبل را واکاوی و همه عناصر نظریه وی را بررسی کرده است. در مقاله «تحلیل سفر اسکندر در داراب‌نامه طرسوسی براساس الگوی کهن «سفر قهرمان» جوزف کمبل»، نوشته رحمان ذبیحی و پروین پیکانی که نشریه پژوهش زبان و ادب فارسی با شماره ۳۳ در سال ۱۳۹۳ آن را منتشر کرده، نویسندگان به بحث سفر اسکندر در کتاب داراب‌نامه براساس رویکرد سفر قهرمان کمبل پرداخته‌اند. در خصوص جام زرین حسنلو، می‌توان به مقاله «جستاری در نقوش هنری جام طلایی حسنلو و پیشینه نقوش آن» نوشته محمدرضا قره‌آغاجی اشاره کرد که در نشریه هنرهای تجسمی نقش‌مایه در سال ۱۳۹۰ با شماره ۷ به چاپ رسیده است. در این جستار، نگارنده، به بررسی چگونگی ارتباط نقوش جام حسنلو و پیشینه آن با مردمان آن روزگار از طوایف مختلف پرداخته است. همچنین می‌توان از مقاله «بررسی تطبیقی جام‌های زرین حسنلو، مارلیک و کلاردشت» نوشته پریناز زردشتی، در کتاب مجموعه

یکی از مباحث نقد کهن‌الگویی، کهن‌الگوی «سفر قهرمان» است. در این کهن‌الگو، قهرمان روایت‌های هنری قصد سفر به دنیای معنوی را دارد. او سفر خود را شروع می‌کند، در راه سفر با متخاصمانی مواجه می‌شود و بعد از غلبه بر آنها از عالم دنیوی خارج می‌شود. در نهایت با شخصیتی معنوی و متفاوت از قبل به سرزمین و جامعه خود برمی‌گردد. نخستین بار کارل یونگ، روان‌پزشک سوئیسی این نظریه را مطرح کرد. وی بر این باور بود «هرچند اسطوره‌ها در جزئیات متفاوت‌اند، اما هرچه بیشتر موشکافی کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که ساختارشان بسیار شبیه یکدیگر است و اگرچه توسط گروه‌ها یا افرادی که هیچ‌گونه رابطه مستقیم فرهنگی با یکدیگر نداشته، آفریده شده‌اند، اما همگی الگوی جهانی و مشابه دارند.» (یونگ ۱۳۹۲: ۱۶۲) این شیوه از نقد ادبی با همت ناقدانی همچون، ماد بادکین، فرای، اتورنک و کمبل رونق گرفت. «نقد کهن‌الگویی با کتاب نمونه‌های کهن‌الگو در شعر، اثر ماد بادکین، جان تازه‌ای گرفت و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رونق یافت.» (آبرامز، ۱۳۸۶: ۲۲) اتورنک با مطالعه و بررسی قهرمان داستان‌ها به نتایجی همانند نتایج کارل یونگ دست یافت. وی «در اسطوره تولد قهرمان، در بررسی حدود هفتاد قهرمان مختلف از جمله موسی، هرکول، ادیپ، زیگفرد و عیسی، عناصر اصلی را عناصر تشکیل دهنده چیزی می‌یابد که برایش اصطلاح «داستان معیار قهرمانی‌ها» را وضع کرده است.» (گرین، ۱۳۸۵: ۱۶۷) در سال ۱۹۴۹ جوزف کمبل، اسطوره‌شناس آمریکایی این رویکرد یونگ را مورد آزمون قرار داد و قهرمان روایات داستانی هر ملل و تمدنی را واکاوی کرد و به نتیجه مشابه نظریه یونگ دست یافت که اساطیر هر تمدن و فرهنگ علی‌رغم تمایزات در جزئیات، در ساختار روایات حاوی تشابهات بسیار زیادی است. به بیان دیگر، در هر داستانی کهن‌الگوی «سفر قهرمان» حضور دارد که «نمونه‌ای انعطاف‌پذیر و قابل انطباق است و می‌تواند اشکال و زنجیره‌های بی‌نهایت متنوعی از مراحل را در خود جای دهد؛ به عبارت دیگر بسته به نیازهای هر داستان، می‌توان مراحل سفر را حذف یا تکرار یا جابه‌جا کرد» (ویتیلا، ۱۳۹۰: ۹)؛ بنابراین «در همه افسانه‌ها، قهرمان سمبل ظهور خودآگاهی من و تلاش او برای تکامل و رشد است.» (اسنودن، ۱۳۹۲: ۱۴۹) تلاش و هدف اصلی قهرمان روایت داستانی «پیروزی بر جهل و نادانی است.» (فیست و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۸) نمونه بارز این موضوع را می‌توان در نگاره جام زرین

مقالات کنفرانس ملی دو سالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران در سال ۱۳۹۸ با شماره ۹ یاد کرد که در این مقاله، نگارنده، به بررسی نقوش اساطیری بر سه جام زرین، مارلیک و حسنلو و کلاردشت پرداخته است. جستار حاضر با بهره‌گیری از اسطوره‌شناسی به عنوان ابزار نو در مطالعات، گوشه‌هایی از رموز هنری و ادبی نگاره جام زرین حسنلو با توجه به کهن‌الگوی سفر قهرمان، نقوش آن اثر را با روش اسطوره‌شناسی کمبل بررسی و تبیین می‌کند.

## روش تحقیق

روش تحقیق در جستار حاضر، به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده است که نگارنده با بهره‌گیری از تعاریف کهن‌الگویی و با در نظر داشتن نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمبل، کهن‌الگوی بخش «سفر قهرمان» روایت هنری نگاره جام را مطالعه و بررسی کرده است. روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است.

## ۱. چارچوب نظری

### ۱.۱. نظریه جوزف کمبل

جوزف کمبل، براساس روان‌شناختی فروید و کارل یونگ آثار خود را نوشته است (Campbille, 1990: 121). وی در اثر خود، یعنی قهرمان هزارچهره، کهن‌الگوی سفر قهرمان را مطرح می‌کند و به تبیین و تشریح آن می‌پردازد. «جوزف کمبل آنجا که قهرمان را در موقعیت گوناگون دارای چهره‌هایی متفاوت می‌داند، از کهن‌الگوهای یونگ به‌ویژه نقاب بهره برده است. هنگامی که قهرمان به خدایانوراه می‌یابد و با یافتن نیمه گمشده‌اش به خدایی می‌رسد، به «آنیما» و مهم‌تر از آن به «خود» یونگی دست یافته است. هنگامی که قهرمان، صفت‌های خشم، مهربانی و کمال را بر چهره می‌زند، با دیو می‌جنگد و برای مردم برکت و مهربانی را به ارمغان می‌آورد، به «خداامردان فریزر» نزدیک می‌شود و آنجا که قهرمان‌ها در همه افسانه‌ها و اسطوره‌ها، هفت‌خان‌ها و مرحله‌هایی را می‌پیمایند تا به هدف خود دست یابند با کنشگرهای پراپ شباهت می‌یابند.» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) پراپ در اثر خود «ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه به تحلیل موتیف‌ها و الگوهای تکرارشونده در صدها قصه روسی پرداخته است.» (ووگلر، ۱۳۹۴: ۵۴) هسته سفر قهرمان در نظریه کمبل به سه مرحله دسته‌بندی می‌شود: «جدایی، تشریف و بازگشت است که می‌توان آن را هسته اسطوره یگانه نامید.» (کمبل،

۱۳۹۴: ۴۰) وی این‌چنین مطرح می‌کند که «قهرمان اسطوره‌ای به راه می‌افتد و به سوی آستان سیر و سلوک کشیده می‌شود، در آنجا با سایه‌ای مواجه می‌شود که از گذار نگاهبانی می‌کند. قهرمان ممکن است این نیرو را شکست دهد یا اینکه نیروی مخالف او را می‌کشد. در آن سوی آستان قهرمان در جهانی سفر می‌کند که سرشار از نیروهایی است که بعضی از این نیروها به شدت او را تهدید می‌کنند و بعضی دیگر با امدادهای جاودیدی به یاری او می‌آیند و مشقتی عظیم را تحمل می‌کند و در عوض پاداشی می‌گیرد. پیروزی ممکن است به صورت وصلت با خدایان و یا به صورت قبول شدن در درگاه پدر و یا به صورت خدایگون شدن خود قهرمان یا به صورت ربودن برکت باشد. آخرین کار بازگشت است در آستان بازگشت قهرمان باید نیروهای ماورایی را پشت سر بگذارد و از قلمرو وحشت خارج شود.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۲۵۲) این الگو خود حاوی زیربخش‌هایی است: مرحله اول جدایی یا عزیمت است که به بخش‌های آغازین سفر مربوط است «۱. دعوت به آغاز سفر و یا آشکارشدن نشانه‌های دعوت الهی برای انجام وظیفه خاص؛ ۲. رد عودت یا فرار حماقت بار، از دست خدایان؛ ۳. امداد غیبی یعنی امداد و یاری که از غیب به کمک آن کس می‌آید که قدم در راه تعیین شده گذاشته است؛ ۴. عبور از نخستین آستان؛ ۵. شکم نهنگ یا عبور از قلمرو شب.» (کمبل، ۱۳۹۴: ۴۵) مرحله دوم سفر تشریف، به مواجه شدن قهرمان با متخاصمان مربوط است که قهرمان با آن به تکامل و رشد معنوی می‌رسد و شامل ۶ مرحله است: «۱. جاده آزمون‌ها یا صورت خطرناک خدایان؛ ۲. ملاقات با خدایان و یا پس‌گرفتن نشاط دوران کودکی؛ ۳. زن به عنوان وسوسه‌گر یعنی درک تجربه عذاب ادیب؛ ۴. آشتی با پدر؛ ۵. خدای‌گون شدن؛ ۶. برکت نهایی.» (همان: ۴۵) بخش سوم یعنی بازگشت شامل ۶ مرحله است: «۱. امتناع از بازگشت یا انکار جهان؛ ۲. فرار جاودیدی؛ ۳. رسیدن کمک از خارج؛ ۴. عبور از آستان بازگشت یا بازگشت به دنیای عادی؛ ۵. ارباب دو جهان؛ ۶. دستیابی به آزادی در زندگی یا ماهیت یا عملکرد برکت نهایی.» (همان: ۴۶)

### ۲.۱. محوطه حسنلو و جام زرین حسنلو

«محوطه باستانی حسنلو یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین محوطه‌های باستانی ایران است که در مجاورت روستایی به همین نام در وسط دره حاصلخیز سلدوز در جنوب دریاچه ارومیه واقع شده است. این محوطه در سال ۱۳۱۳ ه. ش یک هیئت باستان‌شناسی ایران

دیو تنه ماری بیرون آمده است که به سرهای سه گرگ با دهانی باز منتهی می‌شود. در زیر این تصویر، شیری نشسته است. در قسمت پایین‌تر تصویر زنی است که کودکی را به مردی تبرئه دست تقدیم می‌کند. در کنار این تصویر، نبرد دو مرد با مرد ریشدار به تصویر کشیده شده است. در سمت راست تصویر بالایی، کرکسی با بال‌های افراشته، زنی را بر پشت خود به همراه می‌برد. در میان نقوش تصویر تیراندازی با تیر و کمان در دست دیده می‌شود. (خواکرمی، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۸) (تصویر ۱ و ۲)



تصویر ۱. جام زرین حسنلو شمال غرب ایران (طلایی، ۱۳۹۷: ۱۸۸)



تصویر ۲. جام زرین حسنلو شمال غرب ایران (همان: ۱۸۸)

## ۲. تحلیل الگوی سفر قهرمان در نگاره جام زرین حسنلو

### ۱.۲. جدایی و عزیمت

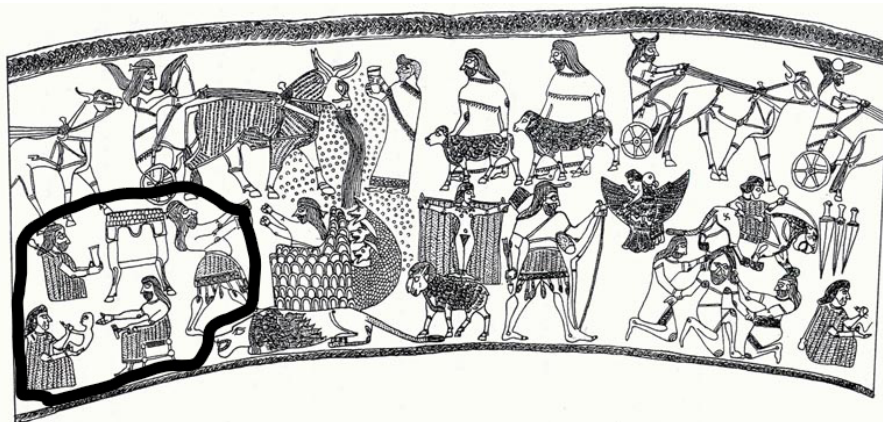
قهرمان روایت «نخست باید خود را از مادر جدا کند، انرژی خود را متمرکز کند و سپس به حرکت درآید.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۲۰۸). در نگاره جام زرین حسنلو، قهرمان داستان باید مادر خود را ترک کند و به سفر برود، در این نگاره قهرمان به سفر معنوی می‌رود که تداعی‌کننده

کاوش کرد و مجدداً در سال ۱۳۱۵ ه.ش یک جهانگرد و باستان‌شناس انگلیسی به سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۳۶ ازسوی باستان‌شناسان ایرانی کاوش شد. (طلایی، ۱۳۹۴: ۷۳) محوطه حسنلو متشکل از ده دوره استقراری است و از هزاره ششم پیش از میلاد تا اوایل دوره اسلامی را در بر می‌گیرد. طبقه‌بندی تسلسل فرهنگی تپه حسنلو از بالا به پایین انجام شده است. باید بیان کرد که دوره V مربوط به (عصر آهن I حدود ۱۲۰۰-۱۵۰۰ ق.م.)، دوره IV مربوط به (عصر آهن II حدود ۸۰۰-۱۲۰۰ ق.م.) و دوره III مربوط به (عصر آهن III حدود ۸۰۰-۵۰۰ ق.م.) (Dyson, ۱۹۹۸: ۷). رابرت دایسون، جام طلایی را در کاوش‌های خویش در محوطه تپه حسنلو سال ۱۹۵۸ میلادی کشف کرد، برای نخستین بار گزارش این جام در مجله لایف چاپ شد و در سال ۱۹۶۲ همراه «نمایشگاه هفت هزار سال ایران» در اروپا و ایالات متحده به نمایش گذاشته شد (صدرايي و ديگران، ۱۳۸۷: ۳۳). اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود و قدمتی ۳۲۰۰ ساله دارد. جنس آن از طلا، وزنش ۹۵۰ گرم و اندازه آن ۲۱ سانتیمتر بلندی و ۲۵ سانتیمتر قطر دارد. برخی افراد که درباره جام زرین پژوهش‌هایی انجام داده‌اند بر این باورند که اثری سرشار از اعجاب است. بر روی سطح آن، نقوشی ترسیم شده که این نقوش در غایت کوچک بودن پر از مفاهیم و مضامین است و همین موضوع، توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. ترسیم نقوش اساطیری و افسانه‌ایی با جزئیات، نشانه علاقه و توجه آن جوامع به هنر است (پرادا، ۱۳۸۶: ۱۳۲). «تصاویری اسطوره‌ای فراوانی بر جام زرین حسنلو نقش بسته است. تصاویر مذکور به وسیله دو حاشیه با تزییناتی گیس بافت، از بالا و پایین احاطه شده‌اند و حاشیه بالا از دو ردیف به هم بافته تشکیل شده است تا شکل تزیینی متفاوتی را با ردیف پایین به نمایش بگذارد. در قسمت بالای تصاویر، سه گردونه می‌یابیم که سه رب‌النوع را حمل می‌کنند: اولی از راست، رب‌النوعی است بالدار که برگردونه جنگی خود ایستاده و گاو نری آن را پیش می‌برد. تصویر بعد، خدای خورشید است که تصویر قرص آفتاب بالدار بالایی سرش دیده می‌شود. تصویر سوم، رب‌النوعی است که تاجی شاخدار بر سر دارد. در جلو گاو نر اولین ارابه، خطوطی موجدار دیده می‌شود که نماد آب است. در سمت راست آب‌راهی کوچک مردی با موی تراشیده ایستاده است، وی کاهنی است جام به دست که آن را به رب‌النوع تقدیم می‌کند. دو مرد دیگر که هر کدام کوچی برای قربانی آورده‌اند در پی کاهن می‌آیند. در پایین این تصویر، صحنه نبردی است میان قهرمان ریشدار و دیو افسانه‌ای. از پشت

ناخودآگاهی است. این سفر شخصیت قهرمان داستان را دگرگون می‌کند و روح و روان وی را از نظر علم روان‌شناسی به تغییر و تحول می‌کشاند. عزیمت قهرمان به سرزمین اهریمنی مراحل زیر را در بر دارد.

### الف. دعوت به شروع سفر و ماجرا

اولین زیربخش در مرحله جدایی و عزیمت دعوت به سفر و ماجراست. «دست سرنوشت، قهرمان را با ندایی به خود می‌خواند و مرکز ثقل، او را از چهارچوب‌های جامعه به سوی قلمرویی ناشناخته می‌گرداند. این قلمرو و سرنوشت که هم سرشار از گنج و هم جایگاه خطرناک است، به شکل‌های گوناگون نمایان می‌شود، همچون سرزمینی دور، یک جنگل، قلمرویی در زیر زمین، زیر امواج یا فراسوی آسمان‌ها و... ولی در هر حال، این مکان همیشه جایی است که موجوداتی سیال و متغیر، شکنجه‌هایی غیرقابل تصور، اعمال فوق بشری و لذت‌های غیر ممکن را در خود جای داده است.» (کمبل، ۱۳۹۴: ۶۶) حمله دیو اهریمنی به سرزمین قهرمان داستان سبب می‌شود قهرمان به این سفر برود. از آنجاکه کسی جرئت رویارویی با دیو را ندارد، پیغامی از سوی بزرگ یا پادشاه آن سرزمین به قهرمان داستان فرستاده می‌شود که در نگاره جام، صحنه بعد تولد بچه، صحنه مردی است که جامی را بر دست دارد و در مقابل آن تختی قرار دارد که به احتمال همان منادی باشد (تصویر ۳). «شخصیتی که کارکرد منادی را دارد، ممکن است مثبت، منفی یا خنثی باشد، اما کار او همیشه این است که با ارائه یک دعوت یا چالش به قهرمان برای رویاروشدن با ناشناخته‌ها، داستان را به حرکت درآورد.» (ووگلر، ۱۳۸۷: ۱۳۱) «ندای پیک هم ممکن است انسان را به پذیرش تعهدی بزرگ و تاریخی بخواند یا ممکن است، نشانگر طلوع تفکر مذهبی باشد، چنان‌که اهل تصوف بیان می‌کنند. این ندا، نشانگر بیداری خویشتن است.» (کمبل، ۱۳۹۴: ۶۱)



تصویر ۳. تصویر دعوت به سفر قهرمان روی جام زرین (نجفی قره‌آغاچی، ۱۳۹۰: ۸۳)

در نگاره جام وقتی قهرمان داستان از سوی بزرگ سرزمین به سفر دعوت شده است، درحقیقت وی به سفری دعوت می‌شود که باید از عالم دنیوی خارج شود. به باور کمبل «سفر همیشه و همه جا، عبور از حجاب دانسته‌ها به سوی ناشناخته‌هاست. نیروی نگهبان مرزها خطرناک هستند و روبه‌روشدن با آنها مخاطره‌انگیز است؛ ولی برای آن کسی که شجاعت و شایستگی دارد، خطری وجود نخواهد داشت.» (کمبل، ۱۳۹۴: ۹۰) در نگاره جام حسنلو تنها قهرمان داستان است که برای نبرد با اهریمن و دشمنان، دعوت رفتن به سفر را پذیرفته است. ووگلر بر این باور است در روایات داستانی دو نوع قهرمان وجود دارد: گروهی بسیار راغب و متمایل هستند که از تمام تعلقات دنیوی بگذرند، بدون اینکه در دل آنها تردیدی به وجود بیاید، در دل ماجرا و مخاطرات می‌روند؛ گروه دیگر بر خلاف این گروه‌اند رغبت چندانی برای سفر ندارند و برای رفتن و جنگیدن با دشمنان شک و تردید می‌کنند (ووگلر، ۱۳۹۴: ۶۴). قهرمان نگاره جام زرین، جزء گروه اول است. وی در پی آن است که از ورود دشمنان و اهریمنان به داخل سرزمین اش جلوگیری کند. قبول کردن دعوت برای رفتن به سفر از سوی قهرمان داستان، مرحله‌ای است که شخصیت اصلی روایت داستانی منقوش روی جام را به قهرمان داستان تبدیل می‌کند، چراکه اگر دعوت را رد می‌کرد، دیگر قهرمانی در کار نبود. دعوت قهرمان به سفر و ماجرا زمانی اتفاق افتاده است که دیو و نیروهای شرور به دنیای قهرمان روایت داستانی وارد شده‌اند.

## ب. امداد غیبی

قهرمان نگارهٔ جام حسنلو مانند دیگر قهرمانان روایات داستانی از حمایت نیرو و قدرت خدایان برخوردار است. «در بسیاری از افسانه‌ها، قدرت‌های پشتیبان یا نگاهبانان، ناتوانی اولیهٔ قهرمان را جبران می‌کنند و وی را قادر می‌سازند تا عملیات خود را که بدون یاری گرفتن از آنها نمی‌تواند انجام دهد، به سرانجام برساند.» (یونگ، ۱۳۸۱: ۱۶۴) «آن‌ان که به دعوت پاسخ داده‌اند، در اولین مرحلهٔ سفر با موجودی حمایتگر روبه‌رو می‌شوند که معمولاً در هیئت عجزه‌ای زشت و یا یک پیرمرد ظاهر می‌شود و طلسمی به رهرو می‌دهد که در برابر نیروهای هیولوشی که در راه هستند، از او محافظت می‌کند.» (کمبل، ۱۳۹۴: ۷۵) در این نگاره، قهرمان داستان از حمایت معنوی رب‌النوع سوار بر ارابه که در هیئت پیرمردی قرار دارد، استفاده می‌کند (تصویر ۴). این مرد «معرف دانش، تأمل، بینش درونی، خرد و هوشمندی... است و افزون‌بر این، حتی خصوصیات اخلاقی دیگران را هم محک می‌زند و براساس این آزمون، هدایایی می‌دهد» (گرین، ۱۳۸۵: ۱۶۵) و «قهرمان را برای مواجه شدن با ناشناخته‌ها آماده می‌کند و او ممکن است پند، راهنمایی یا وسیلهٔ جادویی را در اختیار قهرمان قرار دهد.» (ووگلر، ۱۳۹۴: ۴۲) در این نگاره آنچه که یاریگر به قهرمان می‌دهد آب جاودانگی است که از دهن گاویش جریان دارد که به وسیلهٔ آن قهرمان از دیگر دشواری‌ها به آسانی گذر می‌کند. بعد از آنکه قهرمان در جادهٔ آزمون‌ها قدم می‌گذارد، یاریگر با آب جاودانگی و پاک‌ی به وی کمک می‌کند و با همان آب جاودانگی است که در نبرد با شیر، مارها و دیو زنده می‌ماند.

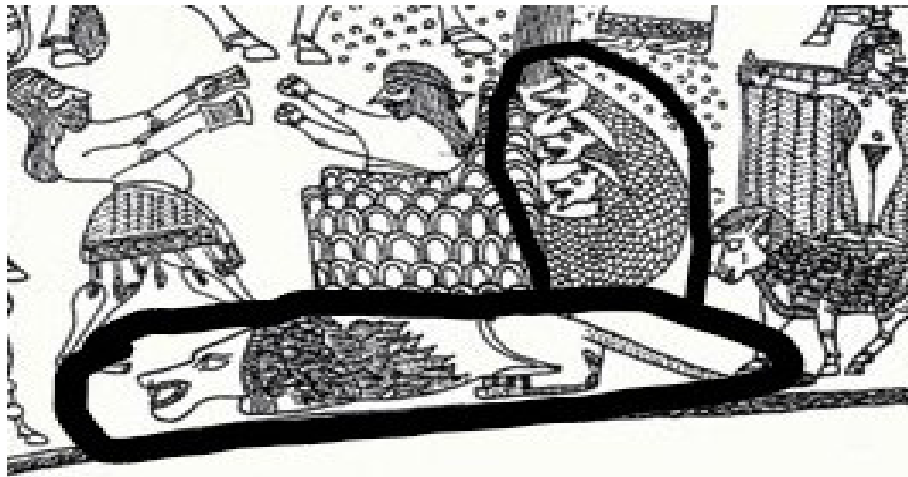


تصویر ۴. تصویر امداد غیبی به قهرمان روی جام حسنلو (نجفی قره‌آغاچی، ۱۳۹۰: ۸۳)

## ج. عبور از نخستین آستان

«قهرمان با عبور از نخستین آستانه برای نخستین بار به‌طور کامل وارد دنیای ویژهٔ داستان می‌شود و با دعوت به ماجرا روبه‌رو می‌شود. لحظهٔ آغازین داستان و شروع واقعی ماجرا از همین جاست.» (ووگلر، ۱۳۹۴: ۴۲) «در این مرتبه قهرمان با ورود به دنیای جدید تولدی دوباره می‌یابد.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۹۶) وارد شدن به سرزمین وحشت و جنگ با دیو و کشتن و نابود کردن در حقیقت حکایت از مرگ و تولدی دوباره دارد. قهرمان در زمان ورود به سرزمینی که سرشار از نیروهای اهریمنی است در ابتدا به نبرد با شیر رفته است. وی برای رسیدن به دیو باید از دشواری‌های زیادی عبور کند. قهرمان در آغاز به نبرد حیوانات وحشی و گزنده‌ایی همانند مار و شیر می‌رود که نگاهبانان دیو هستند و در تصاویر جام می‌توان آنها را مشاهده کرد (تصویر ۵). برای رسیدن به آب حیات باید تمامی این موانع را بردارد. این جنگ ما بین قهرمان و حیوانات، درحقیقت، جنگی بین قهرمان و سایه‌های درونی وی است. «سایه، شامل غرایزی است که انسان طی تکامل طبیعی خود از انواع حیوان پایین‌تر به ارث برده است. بنابراین، سایه جنبهٔ حیوانی طبیعت انسان را نشان می‌دهد و مسئول نمایان ساختن تمایلات گناه‌آلود بشر است.» (شاملو، ۱۳۹۰: ۵۱) حیواناتی که قهرمان در حال نبرد با آنهاست نمادی برای شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی هستند و برای تطهیر خود از آن‌الودگی‌ها به نبرد و نابود کردن آنها روی

آورده است. «در حماسهٔ ملی ایران، یکی از آزمون‌های پهلوان کشتن شیراست و این کار به معنای غلبه و برتری قهرمان بر نیروهای طبیعی و اثبات قدرت اوست.» (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۸، ۴/۱۱۲) «مار به سان اوهام ناگهان و به طرزی نامنتظر از تاریکی سر بر می‌آورد و در جایی، در سوراخی که انتظار و گمان نمی‌رود، می‌خزد. تغییر شکل منظم و دائمی این جانور، بیانگر ادوار ناخودآگاهی و مراحل مختلف رشد روانی است.» (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۴۱)



تصویر ۵. تصویر عبور از نخستین آستان قهرمان روی جام حسنلو (نجفی قره‌آغاجی، ۱۳۹۰: ۸۳)

## ۲.۲. تشریف

در این مرحله، قهرمان روایت که نخستین آستان را طی کرده به دنیایی سفر می‌کند که در آن شخصیت قهرمان متحول و به یک شخصیت معنوی تبدیل می‌شود؛ چراکه قهرمان بعد از عبور از آزمون‌ها و روبه‌رو شدن با شخصیت‌های متخاصم و یاریگر، به جاودانگی دست پیدا می‌کند و توانایی بازگشت به سرزمین خود را دارد. در نگارهٔ جام حسنلو می‌توان مشاهده کرد که قهرمان با پذیرش دعوت منادی، خود را آماده می‌کند که با رخدادها مواجه شود.



تصویر ۶. تصویر نبرد قهرمان با دیو روی جام حسنلو (نجفی قره‌آغاجی، ۱۳۹۰: ۸۳)

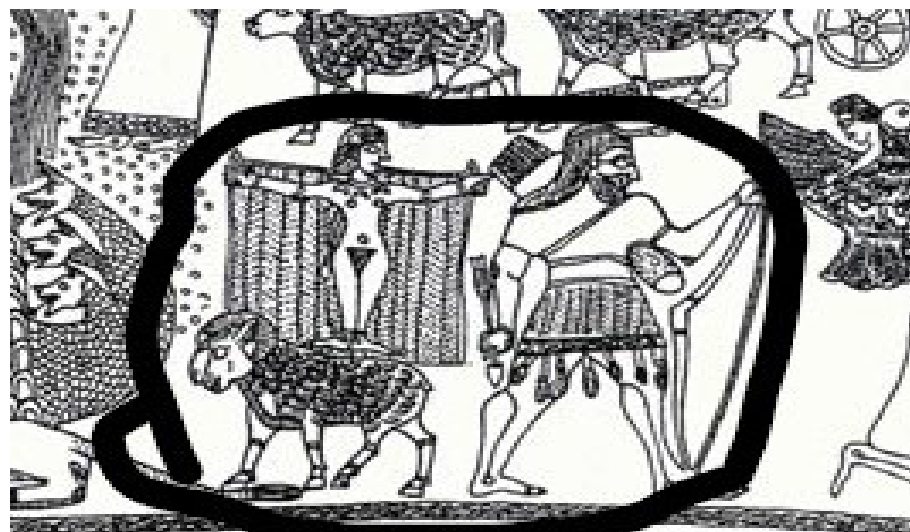
## الف. ورود به جاده آزمون

## ب. ملاقات با خدایانو

### \* نبرد با دیو

قهرمان در نخستین مرحله ورود به جاده آزمون‌ها و رسیدن به تولدی دوباره و آب زندگانی باید موانعی را رد کند که یکی از این موانع دیو است. قهرمان، نبرد با شیر و مارها را پشت سر گذاشته و به اهریمن یا دیو می‌رسد (تصویر ۶). در این مرحله وظیفه قهرمان از بین بردن دشمنان است؛ «آنان که خصم طلب هستند، اغلب آدم‌های مشئومی هستند از قبیل غولان، ساحره‌ها و غولان هستند که موانع برای قهرمان‌اند» (فرای، ۱۳۷۷: ۲۳۴)، در نگاره دیو، نقش دشمن شریر را ایفا می‌کنند. «شریر می‌کوشد قربانی‌اش را بفریبد تا بتواند بر او یا چیزهایی که به وی تعلق دارد، دست یابد.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۶) دیوها جزء نخستین آفریده‌هایی هستند که اهریمن آنها را خلق کرده است. «اهریمن باز به تازگی تاخت. پس دیو آفرید: آن آفریدگان مرگ‌آور مناسب برای نبرد با هرمزد را.» (دادگی، ۱۳۶۹: ۳۵) قهرمان روایت جام حسنلو در نبردهای دشوار و با یاری رب‌النوع دیو را نابود می‌کند. قهرمان باید دیو را از بین ببرد تا به آب زندگانی و جاودانگی دست یابد. «تمام راه‌های معطوف به ثروت، افتخار، شناخت، آمرزش و جاودانگی حراست می‌شدند و جز با عملی قهرمانانه، ممکن نبود بر آنها مسلط شد. غول کشته شده، چه در بیرون و چه در درون ما، به معنای دسترسی به گنج است.» (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۸: ۴ / ۳۶۷)

پس از عبور از جاده آزمون‌ها و رسیدن به آب جاودانگی و تولدی دوباره، قهرمان داستان در نگاره جام با خدایانو ملاقات می‌کند. «ملاقات با خدایانو که در تک‌تک زنان تجلی یافته است، آخرین آزمون قهرمان، برای به دست آوردن موهبت عشق یا مهر و محبت است و این موهبت چیزی جز لذت بردن از زندگی به عنوان نمونه‌ای کوچک از جاودانگی نیست.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۱۲۶) کارل یونگ، در تعاریف الگوی‌های خود در علم روان‌شناختی برای خدایانو الگوی آنیما را مطرح کرده است. یونگ بیان می‌دارد «بخش جنس مخالف در روان مرد است. تصویر جنس مخالف که مرد در ناهشیاری فردی و جمعی خود عمل می‌کند. بنابراین، ضرب‌المثل آلمانی قدیمی، هر مردی، حوایش را در درون خود دارد. در ادبیات، شخصیت‌های چون هلن تروا، بئاتریس دانته، حوای میلتون و اوی رایدر هاگارد را تجسم مادینه روان می‌دانند.» (گرین، ۱۳۸۵: ۱۸۳) «آنیما در حکم روح یا جان، یعنی اصل اولیه موجودات زنده و دم یا شعله سحرآمیز است. آنیما، بخش زنانه روح را تشکیل می‌دهد. آنیما، گنجینه‌ایی از تمام تجربیات اجدادی مردان با زنان است.» (مورنو، ۱۳۹۳: ۱۵۱-۱۵۰) در نگاره جام حسنلو قهرمان با خدایانویی که عریان است و سوار بر قوچی است روبه‌رو شده است و باید «از وسوسه‌های او گذر کند و در فضای اثیری پاک پرواز کند.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۱۲۹) در این نگاره آنیما از نوع منفی است و نمودی از زن وسوسه‌گر است، این مرحله از سفر با غلبه بر آنیمای منفی به پایان می‌رسد (تصویر ۷).



تصویر ۷. تصویر ملاقات قهرمان با خدایانو روی جام حسنلو (نجفی قره‌آغاجی، ۱۳۹۰: ۸۳)



### ج. خدایگان

این مرحله از سفر قهرمان «الگوی موقعیتی الهی است که قهرمان انسانی پس از گذشتن از آخرین وحشت‌های جهل به آن می‌رسد. هنگامی که حجاب آگاهی از میان رفت، آنگاه او از تمام وحشت‌ها رهایی یافت و به آن سوی تغییر و تحول رسید. این توان بالقوه، رسیدن به رهایی در همهٔ ما هست و هر کس با رسیدن به مقام قهرمانی می‌تواند، به آن نائل شود.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۱۵۶) هدف قهرمان روایت جام حسنلو خارج شدن از دنیای عادی است. در هر مرحله از سفر که آنها را طی کرده، درنهایت توانسته بر عالم دنیوی چیره شود و از لحاظ روحی و روانی مستقل شود و در نتیجه به رشد انسانی دست یافته است. به نوعی از زندگی دنیوی رهایی یافته و به عروج آسمانی رسیده است. در (تصویر ۸) هنرمند، رسیدن به عروج آسمانی قهرمان را با الهه‌ای سوار بر پرنده‌ای به تصویر کشیده است.



تصویر ۸. تصویر خدایگان جام حسنلو (نجفی قره‌آغاچی، ۱۳۹۰: ۸۳)

### د. برکت نهایی

مرحلهٔ آخر سفر در تشریف، برکت نهایی است. قهرمان روایت هنری برای دستیابی به جایگاه و مقامی والا، گنج، اکسیر زندگی یا نجات شخصی به سفر می‌رود و با دستیابی به برکت نهایی به آخرین مرحله از سفر می‌رسد. «اسطورهٔ یگانه، هنگامی تمام می‌شود که قهرمان با سعی و تلاش جادوی سخن حکیمانه، پشم طلایی و یا شاهزاده خانم خفته را به ملک بشری بازگرداند، یعنی جایی که این برکت می‌تواند به تجدید حیات جامعه کمک کند.» (کمبل، ۱۳۹۲: ۲۰۳) با توجه به نگارهٔ جام حسنلو، می‌توان گفت سفر قهرمان که برای رسیدن به اهدافی صورت گرفته بود، درنهایت به دو برکت نهایی دست یافته است: یکی رسیدن به آب جاودانگی و تولدی دوباره و دیگری، نجات شخصی از دست ظلم و ستم.



تصویر ۹. تصویر بازگشت قهرمان روی جام حسنلو (نجفی قره‌آغاچی، ۱۳۹۰: ۸۳)

## نتیجه‌گیری

نقد کهن‌الگو، از جمله نظریات مهم و برجسته نقد ادبی است که می‌توان آن را مبنای مطالعات و بررسی‌های نگرش ملی قرار داد. کهن‌الگوی سفر قهرمان یکی از مضامین این نقد است. جوزف کمبل اسطوره‌شناس شهیر با بهره‌گیری از نظریات فروید به‌ویژه کارل یونگ و با مطالعه درباره قهرمانان هر تمدن و ملیتی این کهن‌الگورا مطرح کرد. از دیدگاه وی کهن‌الگوی سفر قهرمان حاوی سه مرحله عزیمت و جدایی، تشریف و بازگشت است که هر کدام از اینها به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شوند. وی در آثار خود مطرح کرد که قهرمان روایت داستانی ازسوی بزرگی به سفر معنوی خوانده می‌شود و پس از جدایی از تعلقات دنیوی و دنیای روزمره و با یاری امدادهای غیبی و نبرد با جانوران و حیوانات که هر کدام از آنها نمادی برای خواهش و آرزوهای نفسانی هستند، به جاده آزمون وارد می‌شود و بعد از غلبه بر دیو به اکثیر جاودانگی می‌رسد، بعد از آن با آنیما، خدایانو ملاقت می‌کند که این خدایانو با جذابیت‌های خود در پی فریب دادن قهرمان است. قهرمان به کمک نیروی معنوی بر وی پیروز می‌شود و بعد از گذر از این دشواری‌ها به برکت نهایی دست می‌یابد. در آخرین مرحله بعد از دستیابی به برکت نهایی برای کمک به مردمان، به سرزمین خود برمی‌گردد. نگاره ترسیم شده بر روی جام زرین حسنلو کاملاً با الگوی کمبل مطابقت دارد. در این نگاره، قهرمان روایت هنری پس از تولد و ترک مادر ازسوی بزرگ سرزمین، به نبرد با اهریمن دعوت می‌شود و وی دعوت را می‌پذیرد. در مرحله آغاز داستان با امداد غیبی رب‌النوع سوار بر ارابه با حیواناتی از جمله شیر درنده و سه مار می‌جنگد و بعد در مرحله آزمون با دیو که نمادی برای اهریمن است، می‌جنگد و وی را نابود می‌کند و به آب زندگانی دست می‌یابد. در این مرحله با غلبه بر آرزوهای نفسانی به تکامل و رشد انسانی رسیده است و با آنیمای عریان روبه‌رو می‌شود که خدایانو با اندام عریان خود می‌خواهد وی را فریب دهد، قهرمان، به کمک نیروهای امدادی بر وی غلبه می‌کند و به برکت نهایی که نجات مردم سرزمین خود از دست ظلم و ستم است، می‌رسد. در پایان سفر، برای کمک به مردمان سرزمین خود برمی‌گردد.

براساس الگوی کمبل، مرحله بازگشت آخرین مرحله از سفر قهرمان است. «قهرمان پس از یافتن طلسم به سرزمین اش برمی‌گردد. اکنون قهرمان این توانایی را دارد تا کشور را نجات دهد.» (کی‌گوردن، ۱۳۷۰: ۲۸) در نگاره جام حسنلو قهرمان با نجات شخصی از دست ظالمان وارد مرحله بازگشت می‌شود. قهرمان در نهایت کار می‌خواهد جامعه دوره خود را از بدی‌ها برهاند و عدالت را برقرار کند. در (تصویر ۹) مشاهده می‌کنیم به عنوان یک مبلغ می‌خواهد مظلومی را از دست دو ظالم نجات دهد. بنابراین او بر ناپاکی‌های خود پیروز شده و به دنبال آن است که به مردمان سرزمین خود کمک کند.

## منابع

- آبرامز، مایر هوارد (۱۳۸۶) **فرهنگ واژه اصطلاحات ادبی**، ترجمه سیامک بابایی، تهران: جنگل، جاودانه.
- اخلاقی، اکبر (۱۳۸۶) **تحلیل ساختاری منطق الطیر**، اصفهان: فردا.
- اسنودن، روث (۱۳۹۲) **یونگ، مفاهیم کلیدی**، ترجمه افسانه شیخ الاسلام‌زاده، تهران: عطایی.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۲) **چشم‌اندازهای اسطوره**، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲) **اسطوره، رؤیا، راز**، ترجمه رؤیا منجم، تهران: نشر علم.
- پرادا، آیدت (۱۳۸۶) **هنر ایران باستان**، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۰) **نقد ادبی، نظریه‌های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی**، تهران: آگه.
- خواکرمی، نسرین (۱۳۸۴) «جام زرین حسنلو»، مترجمان زهرا زارعی و علی بحران‌پور، **گزارش گفت‌وگو**، سال ۴، شماره ۱۶، ۱۱۸-۱۲۰.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳) **رمزهای زنده جان**، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- ذبیحی، رحمان؛ پیکانی، پروین (۱۳۹۳) «تحلیل سفر اسکندر در داراب‌نامه طرسوسی براساس الگوی سفر قهرمان»، **پژوهش زبان و ادب فارسی**، دوره ۴، شماره ۳۳، ۵۶-۳۳.
- زردشتی، پربیناز (۱۳۹۸) **مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی دو سالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران**، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- شاملو، سعید (۱۳۹۰) **مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت**، تهران: رشد.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۳۸۸) **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- صدرایی، علی؛ علیون، صمد (۱۳۸۷) **کتاب مجموعه مقالات جام زرین حسنلو**، تهران: گنجینه هنر.
- طلایی، حسن (۱۳۹۴) **عصر مفرغ ایران**، تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷) **عصر آهن ایران**، تهران: سمت.
- فرای، نورترپ (۱۳۷۷) **تحلیل نقد**، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.
- فیست، جیس؛ گریگوری، جی (۱۳۸۸) **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.
- قره‌آغاجی، محمدرضا (۱۳۹۰) «جستاری در نقوش هنری جام طلایی حسنلو و پیشینه نقوش آن»، **هنرهای تجسمی نقش مایه**، دو فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۴، شماره ۷، ۸۸-۸۱.
- کمبل، جوزف (۱۳۹۲) **قدرت اسطوره**، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴) **قهرمان هزارچهره**، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد: گل آفتاب.
- کی گوردن، والت (۱۳۷۰) «درآمدی بر نقد کهن‌الگویی»، ترجمه جلال سخنور، **مجله ادبستان فرهنگ و هنر**، سال ۳، شماره ۱۶، ۳۱-۲۸.
- گرین، ویلفرد و همکاران (۱۳۸۵) **مبانی نقد ادبی**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نیلوفر.
- مورنو، آنتونیو (۱۳۹۳) **یونگ، خدایان و انسان مدرن**، ترجمه داریوش مهرجویی، تهران: مرکز.
- ووگلر، کریستوفر (۱۳۸۷) **ساختار اسطوره‌ای در فیلمنامه**، ترجمه عباس اکبری، تهران: نیلوفر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴) **سفر نویسنده**، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: مینوی خرد.

ویتیل، استوارت (۱۳۹۰) **اسطوره و سینما**، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: هرمس.  
 یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۱) **انسان و اسطوره‌هایش**، ترجمه حسن اکبریان طبری، تهران: دایره.  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲) **انسان و سمبول‌هایش**، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.

Campbell, J. (1990). *An Open Life*. (J. M. Maher; D. Briggs. Ed.) New York: Harper Collins & Row.

Dyson, RH. (1989). *Rediscovering Hasanlu. Expedition*. The magazine of the University of Pennsylvania, 2(31): 3-11

#### References:

Abrams, M. H. (2007). *A Glossary of Literary Terms*. (S. Babaei, trans.). Tehran: Jangal, Javdaneh. (text in Persian)

Akhlaghi, A. (2007). *Structural Analysis of Atter's Mantigh al -Tayr*. Isfahan: Farda. (text in Persian)

Campbell, J. (1990). *An Open Life*. (John M. Maher and Dennie Briggs. Ed.) New York: Harper Collins & Row. (text in English)

Campbell, J. (2013). *The Power of Myth*. (A. Mokhber, trans.). Tehran: Markaz. (text in Persian)  
 \_\_\_\_\_ (2015). *The Hero with a Thousand Faces*. (Sh. Khosrow Panah, trans.). Mashhad: Gol Aftab. (text in Persian)

Dubocor, M. (1989). *Les Symboles Vivants*, Tehran: Markaz. (text in Persian)

Eliyadeh, M. (1983). *Aspects du Mythe*. (J. Sattari. Trans.). Tehran: Toos. (text in Persian)

\_\_\_\_\_ (2003). *Myths, Dreams, Mysteries*. (R. Monjem, trans.). Tehran: Alam Publishing. (text in Persian)

Fist, J; Gregory, J. (2009). *Theories of Personality*. (Y. Seyed Mohammadi, trans.) Tehran: Ravan. (text in Persian)

Fry, N. (1998). *Anatomy of Criticism: Four Essays*. Tehran: Niloufar. (text in Persian)

Green, W and et al. (2006). *A Handbook of Critical Approaches to Literature*. Tehran: Niloufar. (text in Persian)

Jung, C.G. (2007). *Man and His Myths*. (H. Akbarian Tabari, trans.) Tehran: Daireh. (text in Persian)

\_\_\_\_\_ (2013). *Man and His Symbols*. (M. Soltani, ed.). Tehran Jami. (text in Persian)

Kay Gordon, W. (1989). *Introduction to Archetypal Criticism*. (J. Sokhanran, trans.). Journal of Literature, Culture and Art, 3 (16), 28-31. (text in Persian)

Khakarami, N. (2005). *Hasanlu Golden Cup*. (Z. Zarei; A. Bahranpour, trans.) Monthly Report and Conversation, 4 (16), 118-120. (text in Persian)

Moreno, A. (2014). *Jung, Gods, and Modern Man*. (D. Mehrjoui, trans.). Tehran: Markaz. (text in Persian)

Qara Aghaji, M.R. (2011). *Search in the Artistic of Hasanlu Golden Cup and the Background of its Designs*. Naghsh-Mayeh. 4 (7), 81-88. (text in Persian)

Prada, A. (2007). *Ancient Iranian Art*. (Y. Majidzadeh, trans.). Tehran: University of Tehran Press. (text in Persian)

- Sadraei, A; Alion, S. (2008). *Hasanlu Golden Cup Collection of Articles*. Tehran: Ganjine-e Honar. (text in Persian)
- Shamlu, S. (2011). *Schools & Theories of Personality*. Tehran: Roshd. (text in Persian)
- Shoalieh, J; Gerbaran, A. (2009). *Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes*, Tehran: Jeyhun. (text in Persian)
- Snowden, R. (2013). *Jung: The Key Ideas*. (Shaykh al-Islam, trans.) Tehran: Atai. (text in Persian)
- Talaei, H. (2015). *The Bronze Age of Iran*. Tehran: Samat. (text in Persian)
- \_\_\_\_\_ (2018). *The Iron Age of Iran*. Tehran: Samat. (text in Persian)
- Taslimi, A. (2011). *Persian Literature – History and Criticism*, Tehran: Agah. (text in Persian)
- Vogler, C. (2008). *The Mythical Structure of the Screenplay*. (A. Akbari, trans.). Tehran: Niloufar. (text in Persian)
- \_\_\_\_\_ (2015), *the Writer's Journey: Mythic Structure*. (M. Gozarabadi, trans.). Tehran: Minavi Kherad. (text in Persian)
- Vitila, S. (2011). *Myth and the Movies Discovering the Mythic Structure of 50 Unforgettable Films*. Tehran: Hermes. (text in Persian)
- Zabihi, R; Peykani, P. (2014). *The analysis of Alexander's Journey in Darab-Name of Tarsusi Based on Archetype of "The Journey of Hero by Joseph Campbell*. Persian Language and Literature Research, 4(33), 33-56. (text in Persian)
- Zarostrian, P. (2019). *Proceedings of the First Biennial National Conference on Archeology and Art History of Iran*. Babolsar: Mazandaran University. (text in Persian)

## The Archetype of Hero archetype in the Hasanlu Golden Cup Gallery (age of iron) Based on Joseph Campbell's Approach

### Abstract:

In 1949, the American mythologist Joseph Campbell tested this approach of Jung, the hero of the narratives of every nation and civilization. He analyzed and came to a similar conclusion to Jung's theory that the myths of each civilization and culture, despite the differences in details, contain many similarities in the structure of narratives. That is, in every archetype, there is a pattern of the «hero's journey» which is a flexible and adaptable example and can contain infinitely diverse forms and chains of stages; In other words, depending on the needs of each story, the journey steps can be omitted, repeated, or moved. Therefore, in all myths, the hero is a symbol of the emergence of self-awareness and his effort to evolve and grow. The main effort and goal of the hero of the story «Victory over ignorance» he studied the mythical structure in various civilizations and cultures, he believed that in the mythical structure for the hero's journey, there are three stages of departure, arrival and return. They can be found in Hasanlu's Golden Cup portrait. A clear example of this can be seen in Hassanlou's Golden Cup photo. The purpose of this article is to study the archetype of the hero's journey in this painting, which is one of the most significant and distinguished works of art in Iran, using the mythological approach of Joseph Campbell. This essay tries to show, using Campbell's theory, how in the painting of Hassanlou's Golden Cup, the artist overcomes himself by using the archetype of the hero's journey, and finally reaches a spiritual and evolved personality. The importance of this issue is that according to the mentioned topics, the ultimate goal of the artist has been to reflect national themes in his works of art and he has used mythical images to depict this national attitude. Now the question is: Does Hassanlu's Golden Cup portrait overlap with Joseph Campbell's «Pattern of the Hero's Journey»? If these archetypes are present, how can they be analyzed based on the archetypal theory of the hero Joseph Campbell?

The method of research in the present study is descriptive-analytic and the authors use the archetypal orthography and considering the theory of «hero journey» of Joseph Campbell, with which the electronic part of the «hero journey» of the artistic narrative of the World Cup illustrations needed to be studied. The method of collecting information is the library method.

Archetypal critique is one of the most important and prominent theories of literary criticism, which can be



### Chnoor Saidi

M.A., Archeology, Faculty of Humanities,  
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.  
(Corresponding Author).  
c.saidi@modares.ac.ir

### Fateme Saidi

M.A., Archeology, Faculty of Humanities,  
University of Tehran, Tehran, Iran.  
f.saidi1638@gmail.com

---

Date Received: 2020-11-25

Date Accepted: 2021-03-02

---

1-DOI: 10.22051/pgr.2021.34094.1094

used as a basis for studies of national attitudes. The archetype of the hero's journey is one of the themes of this critique. The famous mythologist Joseph Campbell, using Freud's theories, especially Carl Jung, and by studying the heroes of every civilization and nation, proposed this archetype. In this archetype, the hero of artistic narratives intends to travel to the spiritual world and begins his journey. On the way, he encounters adversaries and after overcoming them, he leaves the worldly world. A spiritual figure returns to his homeland and communities. In Joseph Campbell's view, the archetype of the hero's journey consists of three stages: departure, separation, arrival, and return, each of which is subdivided. He puts it this way: The mythical hero sets off and heads for The threshold of the path drawn, where it encounters a shadow that guards the transition. The hero may defeat this force or the opposing force will kill him. On the other side of the threshold, the hero travels in a world full of forces, some of which threaten him severely, while others come to his aid with eternal help, enduring great hardship and rewarding him in return. Victory may be in the form of a connection with the Goddess, or the form of acceptance in the presence of the father, or the form of the god himself becoming a hero, or in the form of stealing blessings. The last task is to return. On the eve of the return of the hero, he must overcome the transcendental forces and leave the realm of terror. This pattern itself contains the following sections: The first stage is separation or departure, which is related to the initial parts of the journey. From the hands of the gods 3. Unseen help means relief and help that comes from the unseen to help the one who has set foot on the determined path 4. Crossing the first threshold 5. Whale belly or crossing the realm of night. The second stage of the journey is related to the encounter of the hero with the adversaries, with which the hero reaches spiritual development and growth, and consists of 6 stages: 1. The path of trials or the dangerous face of the gods 2. Childhood 3. Woman as a tempter means understanding the experience of Oedipus' torment 4. Reconciliation with the father 5. Becoming a god 6. The final blessing. The third part, the return, consists of 6 items. Refusing to return or deny the world 2. Eternal escape 3. Reaching help from outside 4. Crossing the threshold of returning or returning to the normal world 5. Lord of two worlds 6. Achieving freedom in

life or the nature or function of the ultimate blessing» on the Golden Cup Hasanloo, the hero of the narrative, is called by a great man to the spiritual journey, and after separating from worldly belongings and the everyday world, and with the help of occult aids and battles with animals and creatures, each of which is a symbol for carnal desires and aspirations, The test arrives, the hero of the artistic narrative is invited to fight the devil by the great land after birth and leaving his mother, and he accepts the invitation at the beginning of the threshold with the unseen help of the lord of the species riding in a chariot with animals such as lions and three The snake fights and then in the test phase fights the demon who is a symbol for the devil and destroys him and gains the water of life. At this stage, by overcoming carnal desires, he has reached human evolution and growth, and he is confronted with a naked anime in which God wants to deceive him with his naked body. He overcomes it with the help of relief forces, and after overcoming He attains much immortality on the demon, and after overcoming these difficulties, he achieves the final blessing, which is to save the people of his land from oppression.

**Keywords:** Hasanlu Golden Cup Gallery, Heroic Journey, Departure, Arrival, Return, Joseph Campbell.